

Examining Structural Similarities Between Traditional Eulogies and *Fatemi* Odes of Praise in the Poetry of Three Contemporary Poets

Majid Taheri*, Narges Jaberinasab**, Alireza salehi***

Abstract

Ritual poets and traditional eulogists share similarities in literary styles, especially in terms of structure. These similarities are due to the constant use of ritual poems and traditional forms. It is important to preserve and prevent the distortion of these similarities. This research uses a qualitative-theoretical approach, a library research method, and content analysis to examine the structural similarities between traditional eulogies and *Fatemi* odes of praise in poetry of three contemporary poets (Ali Ahi, Gholamreza sazegar, and Seyyedreza Moayyed). The findings show that all three poets end their *Fatemi* odes of praise with a lamentation structure that is common at the end of eulogies. This structure or similar ones clarify the structural similarities between traditional eulogies and *Fatemi* odes of praise. The analysis of the linguistic style of these structures reveals eleven sub-structures: monotheism, praise, condemnation, argumentation, lamentation, lyricism, admonition, boasting, regret, expectation, and supplication. The method presented in this article can be a model for analyzing and recovering other styles in ritual poetry.

Keywords: Structural Analysis, *Fatemi* Odes of Praise, Traditional Eulogies, Eulogy Poet, Contemporary Poetry

*Ph.D student of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. st_ma_taheri@azad.ac.ir

** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. (Corresponding author) nargesja@azad.ac.ir

*** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. ali_salehi@azad.ac.ir

How to cite article:

Taheri, M., Jaberinasab, N., & Salehi, A. (2024). Examining the structural commonalities between traditional eulogies and *Fatemi* eulogies in the poetry of three contemporary poets. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 3(1), 235-258. doi: 10.22077/jrcl.2024.7143.1091



Copyright: © 2022 by the authors. *Journal of Ritual Culture and Literature*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



بررسی اشتراکات ساختاری بین مداحی سنتی و قصاید مدحی فاطمی در شعر سه شاعر معاصر

مجید طاهری*

نرگس جابری نسب**

علیرضا صالحی***

چکیده

شاعران آیینی و مداحان سنتی در سبک‌های ادبی، به‌ویژه در زمینه ساختار، اشتراکاتی دارند. این اشتراکات ناشی از استفاده مداوم مداحان از اشعار آیینی و قالب‌های سنتی است. حفظ و جلوگیری از تحریف این اشتراکات اهمیت دارد. این پژوهش با روش تحلیل محتوا به بررسی اشتراکات ساختاری بین مداحی سنتی و قصاید مدحی فاطمی در شعر سه شاعر معاصر (علی آهی، غلامرضا سازگار و سیدرضا مؤید) می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر سه شاعر، قصاید مدحی فاطمی خود را با ساختار مرثیه‌ای که در پایان‌بندی مجلس مداحی رایج است، به پایان می‌رسانند. این ساختار و یا ساختارهای مشابه آن، وجه اشتراک ساختاری بین مداحی سنتی و قصاید مدحی فاطمی را روشن می‌سازد. تحلیل سبک زبانی این ساختارها، یازده ساختار فرعی را آشکار می‌کند: توحیدی، مدحی، مذمتی، محاجه‌ای، مرثیه‌ای، تغزلی، پندی، مفاخره‌ای، تحسری، انتظاری و تضرعی.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر، تحلیل ساختاری، قصیده مدحی فاطمی، مداحی سنتی، شاعر مداح.

*دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
st_ma_taheri@azad.ac.ir

**استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
nargesja@azad.ac.ir

***استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب، تهران، ایران.
ali_salehi@azad.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۶

مقدمه

جامعه در گذر زمان دائماً در حال تغییر و تحول است و این تغییرات گاه با سرعت زیاد و به مانند سیل، دستاوردها و تجربیات ارزشمند گذشته را با خود می‌برد؛ لذا حفظ و بهره‌گیری از این تجارب و دستاوردها در مسیر حرکت به سوی آینده، امری ضروری است. همان‌طور که گفته‌اند: «وَالْعُلَى مَحْظُورَةٌ إِلَّا عَلَى مَنْ بَنَى فَوْقَ بِنَاءِ السَّلْفِ» (وراوینی، ۱۳۹۶: ۳۱۱) یعنی «بزرگی جز به آن‌کس نرسد که کار را بر شالوده پیشینیان نهد» مداحان سنتی در مدایح اهل بیت (ع) از سبک‌ها و ساختارهای خاص خود بهره می‌برند. بسیاری از این مداحان خود شاعر نیز هستند و مطابق با ذوق و سلیقه مردم به سرودن مدایح می‌پردازند. شاعرانی که با روش‌های مداحی آشنا هستند نیز با الهام از این روش‌ها به سرودن شعر می‌پردازند؛ بنابراین در این زمینه شاهد دو نوع سبک نزدیک به هم هستیم:

۱- سبک ساختاری مداح در خواندن: این سبک به نحوه خواندن و اجرای مداح در مراسم مداحی اشاره دارد.

۲- سبک شاعر در چینش ساختاری: این سبک به نحوه چینش و نظم ساختار شعری در مدایح سروده شده توسط شاعران اشاره دارد.

با بررسی دیوان‌های شاعران آیینی و مداحان سنتی در قصاید مدحی فاطمی، می‌توان نوعی اشتراک در محور عمودی ساختار ابیات مشاهده کرد. در این پژوهش، با انتخاب سه شاعر-مداح (علی آهی، سیدرضا مؤید و غلامرضا سازگار) با دقت در چینش ساختاری به بررسی یکی از این دو سبک در شعرشان پرداخته می‌شود.

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از رهیافت‌های شهود میدانی انجام شده است و به لحاظ زمانی به قصاید مدحی فاطمی مداحان سنتی در دوره پس از انقلاب اسلامی می‌پردازد. اهداف این پژوهش عبارت‌اند از:

- بررسی سبک ساختاری مداحان سنتی در قصاید مدحی فاطمی
- تحلیل چینش ساختاری در شعر سه شاعر-مداح (علی آهی، سیدرضا مؤید و غلامرضا سازگار)
- مقایسه سبک ساختاری مداحان سنتی با سبک شاعران آیینی در سرودن قصاید مدحی فاطمی
- ارائه الگویی برای حفظ و بهره‌گیری از تجارب و دستاوردهای مداحان سنتی در شعر آیینی معاصر.

برای رسیدن به این اهداف، پرسش‌های زیر مدنظر محقق است:

۱. سبک ساختاری مداحان سنتی در قصاید مدحی فاطمی چه ویژگی‌هایی دارد؟
۲. چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین سبک ساختاری مداحان سنتی و سبک شاعران آیینی در سرودن قصاید مدحی فاطمی وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

در سال‌های پس از انقلاب قصاید مدحی فراوانی درباره حضرت فاطمه (س) سروده شده و مداحی سنتی تقریباً در ایران پدیده‌ای فراگیر شده است؛ اما در این موضوع تحقیقات اندکی صورت گرفته است. برخی از پژوهش‌هایی که نزدیک به موضوع این مقاله انجام شده‌اند، عبارت‌اند از:

- احمد رضایی و سمیه خورشیدی در مقاله «سبک‌شناسی ساختاری غزل «تقویم‌ها» و غزل «قسمت»» این دو غزل را در چهارچوب سبک‌شناسی ساختاری بررسی کرده‌اند و هدف آن تعیین تناسب اجزای متن با کل سازه‌های متن است که از طریق بررسی شکل و ساخت به محتوا می‌رسد.

- ابراهیم فلاح (۱۳۹۷) در تحقیقی بر اشعار فاطمی در مقاله «تحلیل ساختاری و محتوایی سیمای حضرت زهرا (ع) در اشعار شاعران شیعی معاصر عربی و فارسی» برای تحلیل تصویرسازی‌های اشعار از جهت سبکی به عوامل: تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه پرداخته و معتقد است بهره‌مندی از موسیقی خارجی و داخلی و قافیه و نظام واژگانی خاص در خلق تصاویری جذاب بر مخاطبان تأثیری عمیق نهاده است.

- شهین قاسمی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی ویژگی‌های شخصیتی حضرت فاطمه زهرا (س) در شعر پس از انقلاب اسلامی» جنبه‌های روایی، تاریخی، فلسفی و تخیلی شعر فاطمی را مطرح نموده است و به بررسی ویژگی‌های شخصیتی حضرت فاطمه (س) پرداخته است.

- فرزانه بستانی (۱۳۹۲) در پایان‌نامه «بررسی و تحلیل اشعار حضرت فاطمه (س) در دیوان پنج شاعر انقلاب»، تحقیقی سبک‌شناسانه بر اشعار غلامرضا سازگار، سیدرضا مؤید، محمدعلی مجاهدی، محمدجواد غفورزاده، علی انسانی، ارائه داده است. این تحقیق پس از شرح احوال شاعران به مضامین اشعار فاطمی، موسیقی بیرونی و موسیقی کناری، بدیع و صورخیال پرداخته است.

- داود صفا و سید محمود نجاتی حسینی (۱۳۹۰) در مقاله «تحلیل محتوای مداحی‌های مذهبی مردم‌پسند»، ویژگی مداحی سنتی را توجه بیشتر به متن و محتوای نوحه‌ها و سبک و نحوه اجرا، موسیقی، آهنگ، لحن و مضمون‌بندی توصیف کرده‌اند به نحوی که موارد ذکر شده در مداحی‌های سنتی، از یک قاعده خاص تبعیت می‌کنند.

- محسن حسام‌مظاهری (۱۳۸۹) در کتاب «رسانه شیعه» به بررسی مداحی و مداحان سنتی می‌پردازد و تحقیقی جامعه‌شناسانه درباره قالب‌های شعری، مشخصات زبانی و درون‌مایه اشعار آنان ارائه می‌دهد. او بیشتر به اشعار عاشورایی و حسینی پرداخته و اشاره اندکی به موضوعات اشعار فاطمی داشته است.

- سوده غفاری در پایان‌نامه «تحلیل گفتمان مداحی با مقایسه سبک سنتی و غیرسنتی» (۱۳۸۷)، مداحی و مرثیه‌سرایی را به‌عنوان پدیده‌ای زبانی - اجتماعی معرفی و سپس تغییرات گفتمان مداحی‌ها را (در سطح واژگانی)، که تحت تأثیر تغییرات جامعه هستند، بررسی

نموده است. در این پایان‌نامه، دیدگاه نقش‌گرا در قالب تحلیل‌های گفتمانی و اجتماعی استفاده شده است. پژوهشگر با تحلیل متن نوشتاری مداحی‌ها و نحوه تطبیق زبان گروه‌های مختلف اجتماع با شرایط هر زمان، معتقد است لایه‌های درونی و عمیق‌تری از ناگفته‌های فکری و احساسی افراد جامعه بازگو شده است، اما به سبک ساختاری مداحی سنتی نپرداخته است. هیچ‌کدام از پژوهش‌های فوق، سبک ساختاری اشعار فاطمی را بررسی نکرده‌اند.

مبانی نظری سبک ساختاری

رضایی و خورشیدی در سبک‌شناسی ساختاری بر این باورند:

همه اجزای متن ادبی در ارتباط با اجزای دیگر بررسی می‌شود و عناصر جزئی در رابطه با کل سیستم نگریسته می‌شوند و هدف اصلی رسیدن از شکل و ساخت به محتوای اثر است. در این روش با دریافت تناسب‌های ساختاری میان آواها، واژه‌ها و ساخت‌های نحوی، می‌توان ویژگی‌های سبکی اثر را شناسایی کرد و بدین طریق پس از بررسی اجزای اثر و ارتباط با محتوای اثر می‌توان به نقد متون نیز پرداخت (۱۳۹۳: ۱۷).

به همین دلیل ویدسن معتقد است: «سبک‌شناسی ساختاری، مطالعه گفتمان ادبی از منظر زبان‌شناختی است» (به نقل از لبهان و گرین، ۱۳۸۳: ۴۸)

سیاری از کلمات در کوچک‌ترین قالب شعر یعنی «بیت» و حتی «مصراع» عواملی هستند که دارای انعکاسی خاص بوده و فهم فراگیری را القا و اعمال می‌نمایند و موجب وضع قاعده‌ای برای تعیین یک ساختار می‌شوند؛ این کلمات به‌تنهایی یا با کلمات دیگر، ساختارها را تشکیل می‌دهند. «می‌توان از ساختار یک کلمه، یک جمله، یک پاراگراف، یک فصل، یک کتاب و غیره صحبت کرد» (گودن، ۱۳۶۹: ۶۶۲). در این تحقیق، ساختار هر بیت ذیل ساختار کلی قصیده، ساختار جزئی نامیده شده است. بعضی ساختارها در سبک ساختاری چند شاعر، همانند یکدیگر ترتیب یافته‌اند؛ مثلاً همه شاعران در ابتدا تقریباً شعر خود را با چند بیت با ساختار مداحی آغاز نموده و با چند بیت با ساختار مرثیه‌ای به پایان برده‌اند؛ این هماهنگی به سبک ساختاری تبدیل شده است.

شاعران آیینی و شکل‌گیری سبک ساختاری در مدایح اهل بیت (ع)

شاعران آیینی که برخی از آنان مداحی نیز می‌کنند، در سرودن مدایح اهل بیت (ع) از تجارب و مشاهدات خود در مجالس مداحی بهره می‌گیرند. آنها با مشاهده نحوه اقناع و جذب مخاطب توسط مداحان سنتی، به‌تدریج نوعی چینش ساختاری در شعر خود ایجاد می‌کنند که با این هدف همخوانی دارد. این چینش ساختاری که پس از تکرار به عادت تبدیل می‌شود، در نهایت به‌عنوان سبک ساختاری شاعر در سرودن مدایح اهل بیت (ع)

شناخته می‌شود. شاعران آیینی علاوه بر تجربیات شخصی، ممکن است از سبک مداحان دیگر نیز الهام بگیرند و آن را تقلید کنند. به عقیده بهار «سبک شامل دو موضوع است: فکر یا معنی، صورت یا شکل» (۱۳۹۳، ج ۱: ۱۷) فکر یا معنی، حاصل تأثیر محیط بر فرد و تجارب اوست و در قالب کلمات و جملات بیان می‌شود. صورت یا شکل نیز به نحوه چینش کلمات و جملات و آرایه‌های ادبی به‌کاررفته در شعر اشاره دارد.

تأثیر نحوه خواندن مداحان بر سبک شاعران آیینی

نحوه خواندن مداحان سستی یکی از عواملی است که می‌تواند در شکل‌گیری سبک شاعران آیینی نقش داشته باشد. همان‌طور که در متن اشاره شد، مداحان سستی معمولاً ابتدا اهل بیت (ع) را مدح می‌کنند سپس وارد مرثیه می‌شوند. این شکل از مداحی، شاعران آیینی را به سرودن شعری با همین ساختار ترغیب می‌کند و با تکرار فراوان، این ساختار به‌عنوان سبک ادبی شاعر در سرودن مدایح اهل بیت (ع) تثبیت می‌شود.

نقش آگاهی و تعمد در شکل‌گیری سبک

همان‌طور که شفیع کدکنی می‌نویسد: «ویژگی‌های زبانی و بیانی اثر، آنگاه که حاصل آگاهی و تعمد آفریننده اثر باشد و بسامد چشمگیری هم داشته باشد، ایجاد سبک می‌کند» (۱۳۷۹: ۵)؛ بنابراین، صرف تقلید از سبک مداحان دیگر بدون آگاهی و تعمد، نمی‌تواند به شکل‌گیری سبک شخصی شاعر آیینی منتهی شود. شکل‌گیری سبک شاعران آیینی در مدایح اهل بیت (ع) فرایندی پیچیده است که تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند تجربیات شخصی، مشاهدات در مجالس مداحی، تقلید از سبک مداحان دیگر و آگاهی و تعمد شاعر ایجاد می‌شود. در این فرایند، شاعر با بهره‌گیری از عناصر مختلف زبانی و بیانی و چینش مناسب آنها، به تدریج در سرودن مدایح اهل بیت (ع) سبکی منحصر به فرد پیدا می‌کند. ساختارهای جزئی یک بیت، گاهی به‌تنهایی، مرجع تعیین سبک ساختاری نیستند، بلکه ممکن است چند ساختار جزئی با هم یک ساختار را تداعی کنند؛ در ابیات پایانی این قصیده مدحی فاطمی مشاهده می‌شود که پس از ساختار مرثیه‌ای، ساختارهای دیگری نیز می‌آید، اما سبک زبانی همه با هم، ساختار مرثیه‌ای را تداعی می‌نمایند:

۱. مرثیه‌ای: غم دل تو چه گویم که قصه آن را به صد هزار زبان شعله‌های در دارد

۲. مدحی: شهید اول راه علی ست محسن تو که جان به کف ز پی یاری پدر دارد

۳. مدحی: به راه حفظ ولایت زنی بسان تو نیست که سینه پیش هجوم بلا سپر دارد

۴. **تحریری:** ^۱ جحیم گلشن فردوس گردد از نگاهش هر آن کسی که به یاد تو چشم تر دارد
۵. **تحریری:** غمت شکسته علی را چنان که در دل شب پی جنازه تو دست بر کمر دارد
۶. **تحریری:** پس از تو حال علی هست مثل حال کسی که استخوان به گلو، خار در بصر دارد
۷. **تحریری:** میان مرگ و حیات، آن حیات بخش وجود کشیده دست ز جان حال محتضر دارد
۸. **سوگندی:** ^۲ هزار بار اگر «میثمت» روّد سرِ دار نه دل ز مهر و نه دست از ولات بردارد

(سازگار، ۱۳۷۶: ۹۳)

ساختارهای قصاید مدحی فاطمی

در این پژوهش یازده ساختار جزئی در قصاید مدحی فاطمی سه شاعر علی آهی، غلامرضا سازگار و سیدرضا مؤید، مطرح شده که در ادامه تعریف کوتاهی از هر کدام ارائه می‌شود:

۱- **ساختار توحیدی:** اصطلاحی برای آن دسته از ابیاتی است که درباره خداشناسی، آفرینش عوالم، آفرینش حضرت فاطمه (س)، عظمت خداوند و ناتوانی انسان و مخلوقات در پیشگاه خدا، وحدانیت خدا و عدم شرک به او، بقای خداوند و فناي مخلوقات، اول و آخر بودنش است.

نکته‌ای از قدرتش بس اینکه بگویم اوست علی آفرین و فاطمه پرور (مؤید، ۱۳۷۲: ۱۷۳)

۲- **ساختار مدحی:** این عنوان بر ساختار ابیاتی قرار داده شده که متضمن ستایش، شأن و مقام، بیان اوصاف نیک، تقدیر و نکوداشتِ یاد و نام حضرت فاطمه (س) و مواردی از این جمله است.

هر که پناهش تویی پناه دو عالم و آنکه شفیعش تویی شفیع به محشر (همان)

۳- **ساختار مذمتی:** عنوان ساختار ابیاتی است که شاعران به نکوهش بدکاران، ظالمان و ستمگران نسبت به حضرت فاطمه (س) می‌پردازند.

به خانه‌ای که درش جلوه‌گه وحی بود شرر برافروخته زکینه خصم شرور (آهی، ۱۳۹۳: ۲۲۰)

۴- **ساختار محاجه‌ای:** حجت، نشانه و دلیل آوردن از آیات، روایات و مشاهدات برای

مغلوب کردن دشمنان و مخاصمه‌گران نسبت به حضرت فاطمه (س) است.

این‌ست کوثری که خدا داد بر رسول دشمن چه غم که خواند در آن روز ابترش
(سازگار، ۱۳۷۶: ۷۹)

در بیت بالا شاعر با ایجاز تمام و با تلمیح به آیات سوره کوثر به اثبات حقانیت حضرت فاطمه (س) می‌پردازد.

۵- ساختار مرثیه‌ای: ابیاتی که در زمینه مصائب و مراثی حضرت فاطمه (س) از سیلی خوردن، شکسته‌شدن پهلو، کشته شدن فرزند، آتش گرفتن در خانه و... باشند، ساختار مرثیه‌ای دارند.

ز گلشنش گل نشکفته چیده شد افسوس فغان بلبل محزون، ز جور گلچین است
(آهی، ۱۳۹۳: ۲۳۶)

۶- ساختار تغزلی: این ساختار، عاشقانه‌گویی‌ها، نازک‌خیالی‌ها، سخن از گل و بلبل، باغ و بوستان، جنان و بهشت، دل و جان نسبت به حضرت فاطمه (س)، ارتباط عاشقانه پدر (رسول اکرم^(ص)) و دختر (حضرت فاطمه^(س))، ارتباط عاشقانه محب (دوست‌دار آن بانو) و محبوب (حضرت فاطمه^(س))، و... را شامل می‌شود. ساختار تغزلی می‌تواند زمینه‌های فهم مدح را فراهم کند و همراه آن باشد.

ای بهستی‌رو، که خواندت کوثر قرآن خدا در مدینه از تو پیچد عطر دلجوی بهشت
(مؤید، ۱۳۷۲: ۱۵۳)

۷- ساختار پندی: در قصاید مدحی فاطمی، این ساختار، جایگاه اندیشه و تأمل است. نصیحت و اندرز به محبان و یا پند محب به خودش درباره مواردی مثل دردِ غم آن حضرت را به عیش دنیا خریدن، آستان ایشان را رها نکردن، حق معرفتشان را نگاه داشتن، مودت ورزیدن نسبت به ایشان و... .

کسی کاوست همتا و هم عدلِ قرآن نباشد چنین جشن و شادی سزایش
(آهی، ۱۳۹۳: ۲۱۴)

مفهوم این بیت چنین است که شیوه جشن و شادی‌هایی که معمولاً در ولادت حضرت فاطمه (س) بین مردم مرسوم است در خور شأن ایشان نیست.

۸- ساختار مفاخره‌ای: ابیاتی این ساختار را دارند که مفهوم فخر و به خود بالیدن داشته باشد و شاعر از زبان خود یا دیگران، از دریافت نعمت‌های خداوندی یا برکات پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع)، مخصوصاً حضرت فاطمه (س) به خود می‌بالد و می‌نازد. «میثم»^۳ اگرچه نامه سیاه‌ست، روسفید باشد به مهر فاطمه و مهر شوهرش
(سازگار، ۱۳۷۶: ۸۱)

۹- ساختار تحسّری: تحسّر، حالتی مانند رثا است که شاعر از بعضی دل‌تنگی‌ها، درد و رنج‌ها و نیز افسوس و حسرت، سخن می‌گوید؛ ولی از مصائب حضرت فاطمه (س) در آن بیت نیامده است.

آن برترین امانت پیغمبر امین از کید روزگار چرا در امان نبود
(مؤید، ۱۳۷۲: ۷۰)

۱۰- **ساختار انتظاری:** واژه و مفهوم «انتظار» در مدایح رسول اکرم (ص) به دو شکل آمده و برای هر یک مثالی ذکر شده است. یکی به معنی منتظر چیزی بودن (که معمولاً مقدس است) و دیگری، انتظار امام زمان حضرت مهدی (عج) است و معمولاً در پایان بعضی قصاید و اشعار آورده می‌شود.

موضوع انتظار و موعود یکی از مسائل مهم شیعیان و در سطح وسیع‌تر مورد توجه همه مردم جهان است و آینده بشر، سرانجام خوب و خوشی خواهد داشت. این مضمون در اشعار همه دوره‌ها مورد توجه بوده؛ اما در دوره انقلاب اسلامی توجه بیشتری به آن معطوف شده است (طاهری ماه‌زمینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹۵-۱۹۶)

روزی عیان به خلق شود دردهای تو کان روز مهدی تو شود بر تو دادخواه
(سازگار، ۱۳۷۶: ۱۳۱)

۱۱- **ساختار تضرعی:** تضرع نسبت به حضرت فاطمه (س) می‌تواند نوعی احترام به مقام والای ایشان باشد؛ لذا متضرع، به ذیل عنایتشان ابراز نیاز نموده و مقام و مرتبه خویش را هرچند بالا باشد، دون شأن عظیم آن حضرت، چه در حیات و چه در ممات می‌داند.

خَلق ملکوت و جبروت ست طفیلت زآن روست که ساینده به خاک قدمت سر
(آهی، ۱۳۹۳: ۲۱۷)

مداحی اهل بیت (ع) و پیشینه آن

مداح در لغت به معنای «ستاینده، ستایشگر، آفرین‌سرا، بسیار ستاینده، بسیار ستایش‌کننده، مدیحه‌گو، مدحتگر، مدح‌کننده که فضایل و محاسن ممدوح را بیان کند و برشمارد» آمده است. همچنین روضه‌خوانی که ایستاده در پیش منبر و شعر، مدایح اهل بیت (ع) و مصائب آنان را خواند یا آنکه ایستاده در کنار منبر در مجالس روضه‌خوانی یا روان در کوی و بازار، اشعار مدایح اهل بیت (ع) را به آواز خواند» نیز گویند (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل «مداح»); در اصطلاح امروز، مداح^۴ به کسی اطلاق می‌شود که به خواندن مدح و منقبت اهل بیت (ع) با شیوه‌هایی خاص می‌پردازد. این شیوه‌ها می‌توانند شامل آواز، دکلمه‌خوانی و... باشند و معمولاً در مجالس مذهبی و شیعی اجرا می‌شوند.

برخی منابع، مداحی را به دوران صفویه نسبت می‌دهند. نویسنده کتاب *رسانه شیعه* پس از ذکر طایفه‌ای حکومتی به نام «تبرائیان» در دوره شاه اسماعیل صفوی بیان می‌کند که «از همین دوران به بعد است که طایفه‌ای به نام مداحان در ایران ظهور کردند» (حسام‌مظاهری، ۱۳۸۹: ۵۹); البته شواهدی از وجود مداحان در دوره‌های قبل از صفویه نیز وجود دارد. نویسنده کتاب *التفص* در حدود سال ۵۶۰ هجری قمری از «مناقب‌خوانان گنده‌دهن» در

بازارها یاد می‌کند که «مناقب‌ت امیرالمؤمنین (ع) می‌خواندند» (قزوینی‌رازی، ۱۳۵۸: ۶۴) و منظور از مناقب‌خوانی، حرکتی شبیه به مداحی امروزی است. از ابتدای انقلاب اسلامی، شاهد گسترش چشمگیر مداحی اهل‌بیت (ع) بوده‌ایم. به گونه‌ای که تقریباً در تمام مناسبت‌های شادی و عزای اهل‌بیت (ع)، مداحان به اجرای برنامه می‌پردازند. مداحان با تقویم شیعی همراه هستند و خود را برای هر مناسبت و رخداد تاریخی آماده می‌کنند تا با خواندن اشعار آیینی، پیام‌های لازم را به مخاطبان منتقل کنند. مداحان با کمک شاعران، اشعاری نظیر مرثیه، نوحه^۵، سرود^۶، مولودی^۷ و... را تهیه می‌کنند و در مجلس مخاطبان خاص خود با آداب و ترتیب ویژه‌ای که در این روزگار مرسوم است، می‌خوانند.

مداحی را بی‌تردید باید ستون خیمه و عامل اصلی در برگزاری هر مجلس عزا دانست. چراکه عمده بار گردآوری و انگیزه‌سازی برای شرکت افراد در هیئت یا مجلس را مداح و جذابیت‌های مداحی به دوش می‌کشد. همین اهمیت است که اقتضا می‌کند مداحی را مقوله‌ای نیازمند تخصص و نوعی حرفه به شمار آوریم. تا آنجا که می‌توان از پیدایش صنعت مداحی در سال‌های اخیر سخن گفت؛ صنعتی با همه اقتضائاتش. مداحی و ذاکری اهل‌بیت (ع) را همچنین باید از زمره هنرها دانست، هنری که در آن از شعر و موسیقی گرفته تا نمایش و حرکات کالبدی هرکدام جایگاه مخصوص دارد (همان: ۳۰۲).

طبیعی است که بعد از گذشت زمان، حداقل دو شیوه سنتی و نوین در هنرها پدید آید و گروهی پیرو گونه سنتی، یعنی تابع قدمت و اصالت پیران گذشته، و گروهی به گونه نوین، یعنی تابع نوگرایی جوانان باشند. مداحان نیز مانند دیگر صنوف از علما، خطبا، سخنرانان و... برای بهتر رساندن مناقب و مرثیه اهل‌بیت (ع) از کلام ادبی و شعر استفاده می‌نمایند. «شعر و ادب و فصاحت و بلاغت و زیبایی بیان، خودش یک وسیله‌ای است برای بهتر رساندن هر پیام، حالا پیام هر چه می‌خواهد باشد» (مطهری، ۱۳۷۷: ۵۶). آن نوع از اشعار فارسی که مورد استفاده مداحان بوده و هست، «شعر آیینی» نام دارد. شاعران آیینی، شعرآیینی را از سویی بر مبنای فرهنگ عامه و از سوی دیگر بر پایه باورهای مذهبی می‌سرایند:

از زمان اهل‌بیت (ع) تا امروز، همواره یکی از علقه‌های اصلی شاعران شیعه، سرودن مرثیه و شعر در رثای اهل‌بیت (ع) و خصوصاً امام حسین (ع) بوده است. گستردگی این اشعار تا آنجاست که صاحب‌نظران از وجود مقوله‌ای تحت عنوان «شعرآیینی» در پهنه ادب فارسی سخن می‌گویند (حسام‌مظاهری، ۱۳۸۹: ۳۰۲)

مداحان سنتی و گزینش اشعار آیینی

مداحان سنتی در انتخاب اشعار آیینی برای اجرا، تناسبی میان سبک خواندن خود و نوع شعر برقرار می‌کنند علاوه بر آن عوامل دیگری مانند موضوع مداحی، مناسبت مذهبی،

ذوق و سلیقه مداح و مخاطبان را هم در نظر می‌گیرند. این اشعار که اغلب در دفاتر جیبی یا برگه‌های باریک نوشته می‌شوند، به حفظ و مرور مداح در زمان اجرا کمک می‌کنند. مداح سنتی در درجه اول باید متخصص شعر باشد؛ زیرا یکی از سخت‌ترین مراحل کار مداحی، انتخاب شعر است. دقت و وسواس زیادی لازم است تا اشعار انتخابی از لحاظ فنی، قوی و مطابق اسلوب باشد و بتواند برای مخاطب، روان و قابل فهم باشد. اهمیت مقوله شعر در مداحی سنتی به حدی است که مداحان سنتی اغلب، خود شاعر بوده‌اند (همان: ۳۴۱).

شعر آیینی در مداحی سنتی از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱- استفاده از قالب‌های شعری سنتی نظیر قصیده، مثنوی، غزل، رباعی، دوبیتی، ترکیب‌بند، ترجیع‌بند، مستزاد، بحر طویل و قالب‌های سنتی نوحه از جمله قالب‌های شعری مورد استفاده در مداحی سنتی هستند. در کنار قالب‌های سنتی، برخی از مداحان از قالب‌های نوین شعری نیز در مداحی خود استفاده می‌کنند.

۲- ثبات قالب‌ها: این قالب‌ها در طول زمان تقریباً ثابت مانده‌اند و تغییرات اندکی در آنها ایجاد شده است.

۳- آن‌قدر که شعر برای مداح سنتی اهمیت دارد، آهنگ شعر اهمیت ندارد. به همین دلیل است که امروزه تعداد آهنگ‌هایی که مداحان مدرن برای اشعار استفاده می‌کنند با گذشته قابل مقایسه نیست و از تنوع بالاتری برخوردار است؛ حتی کار به جایی رسیده که ابتدا آهنگ‌ها ساخته شده سپس بر روی آن شعر سروده می‌شود.

۴- محمود تاری می‌گوید:

مداحی سنتی همان‌طور که فرهنگ ما با آن آشناست، همان است که با بسم‌الله آغاز می‌شود و مداح، ابتدا یک رباعی و بعد یک غزل می‌خواند که مسائل اجتماعی و پندآموز در این غزل هست، بعد شروع می‌کند به قصیده‌خوانی و مدیحه‌خوانی و پس از آن وارد مرثیه‌خوانی می‌شود و مجلس را به پایان می‌برد (۱۳۹۱: ۱۰۰).

این ویژگی که مداح سنتی، مجلس را با مرثیه‌خوانی به پایان می‌برد، اساس کار این تحقیق است؛ البته نمی‌توان گفت تمام مداحان سنتی در سبک‌های مختلف، به این شیوه عمل می‌نمایند؛ ولی لاقلاً یکی از شیوه‌ها که در اینجا بررسی می‌شود چنین است و با یکی از سبک‌های ساختاری شاعران آیینی که قصیده مدحی فاطمی را با ساختار مرثیه‌ای به پایان می‌برند، تناسب دارد.

قصاید مدحی فاطمی

اعتقاد و حب رسول اکرم (ص) و خاندان گرامی ایشان و الگوپذیری از شاعران بزرگ، بسیاری از شاعران را به سرودن مدایح آن بزرگواران، موفق نموده است تا جایی که بعضی شاعران که خود مداح سنتی بوده‌اند تنها به شعر آیینی و مدح و مرثیه ایشان پرداخته‌اند،

مثل حبیب چایچیان^۸ که «خارج از حوزه آیینی شعری نسروده است» (محمدزاده، ۱۳۹۳: ۱۲۹). بسیاری از شاعران سنتی مانند خوشدل تهرانی آرزوی مداح اهل بیت (ع) بودن را در اشعار خویش آورده‌اند.

ولیک خوش دلی «خوشدل» این بُود در حشر بگویدش که تو مداح اهل بیت منی (خوشدل، ۱۳۸۹: ۲۵)

قصاید مدحی فاطمی، در بین مدایح اهل بیت (ع) و در دوره امروز (پس از انقلاب اسلامی)، سهم عمده‌ای را به خود اختصاص داده است و در دیوان شاعران آیینی از موضوعات پرشمار به حساب می‌آید. «شعر و ادبیات فاطمی، به‌عنوان یکی از زمینه‌های مهم و مطرح شعر معاصر، ذهن بسیاری از شاعران متعهد به اهل بیت (ع) را به خویش مشغول داشته است» (فلاح، ۱۳۹۷: ۱۲۶).

حضرت فاطمه زهرا (س) همواره در طول تاریخ و به‌خصوص در شعر معاصر جایگاه ویژه‌ای دارد و درباره مسائل مربوط به آن حضرت از جمله زندگی و شخصیت والای ایشان تحقیقات فراوانی انجام و کتاب‌های زیادی نوشته شده است. از جمله مسائلی که بیشتر مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و مطرح شده مواردی است از قبیل: حوادث و جریانات زندگی آن حضرت، از بدو ولادت تا شهادت. جایگاه و سیمای آن حضرت در قرآن کریم و سیره و حدیث نبوی، صفات و مناقب آن حضرت از جمله: زهد و تقوا، قناعت، سخت‌کوشی، سخاوت و ایثار، علم و خردمندی، دفاع از حق و حمایت از نبوت و ولایت، صبر و شجاعت و... مظلومیت آن حضرت از جمله: منع شدن او از فدک، هجوم به خانه‌اش و آسیب‌های روحی و جسمی و درنهایت شهادت و بی‌نشان بودن مزار او و به شهادت رسیدن فرزندان او به دست مدعیان مسلمانی (قاسمی، ۱۳۹۳: ۸۰).

در بین قالب‌های سنتی، قصیده بیشتر به مدح اختصاص دارد و مداحان سنتی نیز بیشتر به آن نظر دارند؛ زیرا «قصیده بیش از همه، تاب حماسه‌سرایی و توصیف و ستایش دارد» (کافی، ۱۳۹۰: ۸۶). قصاید مدحی فاطمی، آن دسته از اشعار آیینی هستند که حداکثر ظرفیت ساختارهای آن را ساختار مدحی تشکیل داده باشد. تحقیقی که در قصاید مدحی مجموعه اشعار سه شاعر علی آهی، غلامرضا سازگار و سیدرضا مؤید انجام گرفت، نشان داد بیشتر این قصاید از جهت سبک زبانی و مفاهیم موجود در هر بیت، با ساختار مرثیه‌ای، خاتمه یافته‌اند؛ البته قصایدی نیز وجود دارد که ابیات پایانی آنها ساختار دیگری به‌جز ساختار مرثیه‌ای دارند، ولی سبک زبانی آنها به‌گونه‌ای است که ساختار مرثیه‌ای را تداعی می‌نمایند؛ این به آن دلیل است که شاخصه ساختاری یک بیت، بر اساس سبک زبانی کلمات یک بیت تعیین شده، ولی شاخصه ساختاری چند بیت، بر اساس سبک زبانی کلمات چند بیت مشخص شده و برآیندها متفاوت است.

معرفی شاعر- مداحان سنتی

علی آهی

علی آهی (۱۳۹۴-۱۳۰۷) از شاعران آیینی و مداحان سنتی است که تا پایان عمر به شاعری و مداحی اشتغال داشت و به دلیل خدماتی که به جامعه شاعران و مداحان نموده، در این جوامع شهره است. رهبر انقلاب پس از فوت ایشان پیام تسلیتی صادر کردند^۹ که نشان از اهمیت حضور و فعالیت‌های او در عرصه فوق داشت.

حاج میرزا علی آقا آهی مشهور به «حاج علی آهی» به سال ۱۳۰۷ شمسی در محله پامنار تهران دیده به جهان گشود و از ده سالگی در مجامع گوناگون با هدایت پدر و مادر، نوحه‌خوانی می‌کرد و هم‌اکنون حدود پنجاه و هشت سال است که شاعری اهل بیت (ع) را اختیار نموده است (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: آهی، ۱۳۹۳: ۳۳-۲۹)

شیوه مداحی آهی، سنتی بود و او دیوانی شامل اشعار آیینی و مدایح اهل بیت (ع) از خویش به جای گذارده که همه در قالب‌های سنتی بوده و مدایح و مراثی برای یکیک اهل بیت (ع) سروده اما در دیوان او مدایح و مراثی حضرت فاطمه (س)، بیشترین اشعار را به خود اختصاص داده است. تحصیلات حوزوی آهی تا آستانه درس خارج فقه و اصول بوده و تحقیقات و مطالعات عمیقی در شعر فارسی داشته است؛ لذا آثار دیگری در زمینه ادبیات فارسی به رشته تحریر درآورده که از آن جمله است:

توصیف صنایع شعر کهن فارسی، شعر و شاعری از نظرگاه قرآن، عترت و سنت، درس‌هایی از علم کلام (نگرشی تحلیلی درباره تصوف و تأثیرات آن در ادبیات آیینی)، تنویرالافکار (درباره مباحث اعتقادی در شعر)، قافیه در شعر فارسی (با مقدمه و ویرایش حسین آهی)، جزوات آموزشی متعدد با موضوعات: جبر و تفویض، تشبیه و تعطیل، تجسم، تجسد و... و نیز آشنایی با عقاید متصوفه، مانند: صلح کل، وحدت وجود، حلول و اتحاد، ولایت نوعیه و... که به شعر و ادب پارسی - و متأسفانه به اشعار آیینی - راه یافته است (ریاحی، ۱۳۹۳: ۳۳).

از آثار فوق برمی‌آید آهی علاوه بر شاعری و مداحی سنتی، برای راهنمایی دیگر شاعران و مداحان نیز تلاش می‌کرده تا شعر آیینی و مداحی سنتی از تحریف دور بماند.

سیدرضا مؤید

سیدرضا مؤید (۱۳۲۱-۱۴۰۱) از شاعران آیینی خطه خراسان است. شعر بعضی از شاعران اهل بیت (ع) و مداحان سنتی مانند «سیدرضا مؤید خراسانی» در مجاورت و در پناه حرم رضوی به بلوغ رسیده و به انواع موضوعات و مضامین مورد استفاده در آیین‌های شیعی پرداخته‌اند.

سیدرضا مؤید سال ۱۳۲۱ در مشهد مقدس دیده به جهان گشود. وی تحصیلات مقدماتی را در مکتب‌خانه پشت سر گذاشت و بعد از آن به شغل آزاد روی آورد. او سرودن را از ۱۲

سالگی آغاز کرد. علاقه‌اش به شعر، پای او را به کتابخانه آستان قدس رضوی باز کرد تا ساعت‌ها به مطالعه دواوین گذشتگان بنشیند. مؤید طی سال‌های متمادی اشعار قابل توجهی خلق کرده که همواره مورد استفاده ستایشگران قرار گرفته است و هیچ مناسبتی در تقویم تشیع نیست که برای آن شعری نسروده باشد. این خادم حرم رضوی و (شاعر) بزرگ آیینی سرانجام در ۱۵ مهرماه ۱۴۰۱ دار فانی را وداع گفت و در حرم مطهر رضوی به خاک سپرده شد. «گل‌های اشک»، «جلوه‌های رسالت»، «نغمه‌های ولایت»، «سفینه‌های نور» و «چکامه عشق» بخشی از آثار متعدد او است (شعریات، بی‌تا).

از مؤید، اشعار آیینی فراوانی در چند مجلد در مدح و مرثیه اهل بیت (ع) از رسول اکرم (ص) تا امام دوازدهم (عج) منتشر شده که همه در قالب‌های سنتی است، اما بیشتر اشعار دیوان جلوه‌های رسالت^۱ (۱۳۷۲) در مدح و مرثیه حضرت فاطمه (س) است.

غلامرضا سازگار

غلامرضا سازگار (متولد ۱۳۲۰) از مداحان سنتی و نماینده شاخص قصیده‌سرایی این روزگار است. قالب‌های دیگر شعری را نیز می‌توان به‌وفور در آثارش مشاهده کرد. «اگر سازگار را به‌عنوان پرکارترین مداح و شاعر مذهبی معاصر انتخاب کنیم بی‌راهه نرفته‌ایم، چراکه تعداد ابیاتی که تاکنون در قالب‌های مختلف شعری سروده است از ده‌ها هزار بیت بیشتر است» (مجاهدی، ۱۳۷۶: ۳۸). مزیت کاربردی بودن و فراگیری اشعار زیبای ایشان از جهت مؤانست و دم‌سازی با نوع زبان مردم روزگار و استقبال آنان، دارای اهمیت بوده و یکی از نمایندگان واقعی آنها است. بزرگان عرصه مداحی و ستایشگری، اشعار او را با درصدها بالایی پذیرفته و به جویندگان معرفی نموده‌اند. مجموعه اشعار او نخل میثم^۱ (۱۳۷۶)، نخل میثم^۲ (۱۳۷۹)، نخل میثم^۳ (۱۳۸۵)، نخل میثم^۴ (۱۳۸۷)، نخل میثم^۵ (۱۳۹۲)، نخل میثم^۶ (۱۳۹۷) به چاپ رسیده که حاوی اشعاری در قالب‌های سنتی در مدح و مرثیه اهل بیت (ع) است؛ البته کتاب‌های دیگری نیز در مناسبت‌های ماه‌های قمری دارد که در قالب‌های سنتی و نوحه و سرود است. یکی از دلایلی که این شاعران اشعار خود را فقط در قالب‌های سنتی سروده‌اند، استفاده بیشتر مداحان از این قالب‌ها است. یکی از بزرگ‌ترین قصیده‌های سازگار در موضوع حضرت فاطمه (س) است.

بحث و بررسی

ملاک‌گزینش قصاید ذیل این است که مدحی بوده و تقریباً در انتها دارای ساختار مرثیه‌ای باشند و اگر هر شاعر حتی یک قصیده با این ویژگی داشته باشد، می‌تواند با این ویژگی از مداحی سنتی اشتراک داشته باشد.

سبک ساختاری شعر علی آهی

علی آهی در قصیده‌ای در مدح حضرت فاطمه (س) با ساختار مدحی آغاز نموده و با ساختارهای مذمتی و محاجه‌ای، زمینه را برای ساختار مرثیه‌ای پایانی آماده می‌کند:

معلول وجود تو همه اکبر و اصغر
 هستند عوالم همه أعراض و تو جوهر
 با امر تو خود قوه به فعل آمده یک سر
 گشته ست ستایش گرت از سوره کوثر
 واندر جبروتت همگان بنده و چاکر
 افلاک محیطند و تو چون قطبی و محور
 هستند تو را خاضع و فرمان‌بر و نوکر
 ای روح مجسم که تویی عقل مصور
 هستند همه مشتق و انوار تو مصدر
 وی مُحرم خلونگه حق محرم داور
 وی مأمّن و ملجای فرومانده و مضطر
 گردد به قیام تو قیام صف محشر
 ای عقل و خرد در پی ادراک تو اقصر
 ارحام طواهر همه زاصلاب مطهر
 ابناء به ابناء همه لؤلؤ و گوهر
 اخلاف به اخلاف، سپردند به دیگر
 در کسوت ناسوت به لاهوت شناور
 وی موجب تکوین بر و بحر مقعر
 گردید سزایش ز خدا واژه ابتر
 گر نفکندی در کنف بحر تو لنگر
 زان روست که ساینده به خاک قدمت سر
 از امر خدا نقش مؤنث ز مذکر
 بر یازده عیسی شده‌ای سرور و مادر
 بر عیسی مریم ز شرف قائد و رهبر
 با آن که تویی بر دو جهان زینت و زیور
 تا بشنود این نکته ز ما کهتر و مهتر
 خواهد که از او رفع کند تهمت بی‌مر

مدحی: ای علت ایجاد جهان زهره ازهر
 مدحی: خود قائم بالحقّی و گیتی به تو قائم
 مدحی: ای علت مُبقیه و ای مُحدّثه دهر
 مدحی: ای ذات شریفی که همان واجب بالذات
 مدحی: در کسوت ناسوتی ولیکن مه لاهوت
 مدحی: خود مرکز امکانی و در دایره کون
 مدحی: این چارم و هفت آب و جمله موالید
 مدحی: در شکل بشر هستی و انسیه حورا
 مدحی: از عالم علوی همه تا عالم سُفلی
 مدحی: ای گشته ملائک به حریمت همه مُحرم
 مدحی: ای قبله حاجات به هر عالی و دانی
 مدحی: ای آن‌که قیامت نشود جز به قیامت
 مدحی: در ذات تو اوهام فرومانده و عاجز
 مدحی: ای نور مطهر که گرفتی به ودیعت
 مدحی: اجداد به اجداد، لالی به لالی
 مدحی: اسلاف به اسلاف، اعالی به اعالی
 مدحی: در قُلزم علم احدیت همه غوّاص
 مدحی: گردد به سر انگشت تو هر ثابت و سیار
 مذمتی: چون خصم تو از معرفت شأن تو عاری‌ست
 مدحی: در بحر عدم می‌رود این کشتی ایجاد
 مدحی: خَلق ملکوت و جبروت‌ست طفیلت
 مدحی: تفکیک کند کلک تو در عالم ارحام
 مدحی: مریم اگرش فخر به عیسای مسیح است
 مدحی: یک عیسی تو هست به دوران ظهورش
 محاجه‌ای: گویند به قرآن ز چه رو نام تو نبود
 محاجه‌ای: گفتیم و بگوئیم دو صد بار به پاسخ
 محاجه‌ای: تصریح به قرآن شده گر عصمت مریم

محاجه‌ای: لیکن بود او عصمت و ناموس الهی
محاجه‌ای: هم آیت تطهیر به شأنش شده نازل
محاجه‌ای: قرآن به کنایات بسی مدح وی آورد
مرثیه‌ای: افسوس که آن مظهر ناموس خدا را
مرثیه‌ای: بیت شرف و درگه ایجاد و در فیض
مرثیه‌ای: «آهی!» شده این چامه شررخیز چو خامه
 کان آیت تطهیر، گواه است سراسر
 هم سوره انسان و دگر سوره کوثر
 زیرا ز صراحت بود این نکته رساتر
 پهلو بشکسته‌ست عدو از لگد و در
 سوزاند ز کین، اهرمن از شعله آذر
 بس کن که دگر اشک قلم ریخت به دفتر
 (آهی، ۱۳۹۳: ۲۱۸-۲۱۵)

شاعر در این قصیده مدحی فاطمی با سی‌وسه بیت، از چهار ساختار جزئی استفاده نموده است: بیست‌وسه بیت با ساختار مدحی، یک بیت با ساختار مذمتی، شش بیت با ساختار محاجه‌ای و سه بیت با ساختار مرثیه‌ای. تعداد ساختار مدحی، از ساختارهای دیگر بیشتر است و نشان‌دهنده این است که در این قصیده مدحی، بیشتر به مدح حضرت فاطمه (س) پرداخته شده است. سبک ساختاری قصیده بالا، پایان‌بندی قصیده با ساختار مرثیه‌ای است.

سبک ساختاری شعر غلامرضا سازگار

در این پژوهش، به بررسی سبک ادبی ساختاری یکی از قصاید غلامرضا سازگار در مدح حضرت فاطمه (س) می‌پردازیم. در ابتدای هر بیت، ساختار ادبی آن بیت مشخص می‌شود.

۱. مدحی: ای کردگار را به تو بس افتخارها
۲. مدحی: خورشید کاسه‌ای به سر انگشت سائلت
۳. مدحی: جبریل بنده‌ایت ز افواج بندگان
۴. تغزلی: مهر رخت چراغ دل اهل معرفت
۵. تغزلی: یاد قد تو برده ز طوبی شکیب و صبر
۶. پندی: درد و غمت به شادی عالم اگر دهم
۷. پندی: خاک درت به ملک دو عالم اگر دهم
۸. پندی: خار رخت به گلشن رضوان اگر دهم
۹. مفاخره‌ای: شیرین گذشت و می‌گذرد زندگانی‌ام
۱۰. تحسری: یاد دعای نیمه‌شب تا به صبح حشر
۱۱. مدحی: تا خلق را پناه دهد از قضای خویش
۱۲. مدحی: در حشر انبیاء همه گویند فاطمه
- وی مصطفی ثنای تو را گفته بارها
- گردون کنار سفره‌ات از ریزه‌خوارها
- میکال خادمیت ز خدمت گذارها
- نام خوشت قرار دل بی‌قرارها
- بوی گل تو داده به هستی بهارها
- بر هستی‌ام ز خشم خداوند نارها
- بر گردنم گناه همه شهریارها
- بر دیده‌ام ز شاخه زقوم خارها
- کز نای من پُر است به شورت نوارها
- خون می‌چکد ز دیده شب زنده‌دارها
- دارد خدا به دامن مهتر حصارها
- زیرا به دست توست در آن روز، کارها

آری تو راست در همه دل‌ها مزارها
در نسل‌ها و طایفه‌ها و تبارها
کردند از محبت تو افتخارها
شناختیم در همه روزگارها
گیرد نماز از نفست اعتبارها
گویم اگر ز حُسن تو در مرزارها
ناورده‌ام ز وصف تو یک از هزارها
اسلام راست از تو بسی اقتدارها
نام رسول را به فرازِ منارها
آتش زدند بیت تو را همجوارها
کز خشم حق به خرمن جانسان شرارها
بود آن کتاب‌ها که به پشت حمارها
چون مارها زدند به دل نیش، بارها
درهم شود شکسته چنین از فشارها
گه با سکوت‌ها و گهی با شعارها
یکبار نه، که خصم تو را کشت بارها
ز آن کارها که سرزد از آن نابکارها
تا گیرد انتقام تو ز آن بد شعارها
دریای خون بدیده چشم انتظارها
گر جان دهد ز دست به بالای دارها
بر دوش من ز کوه معاصی ست بارها
(سازگار، ۱۳۷۶: ۱۱۸-۱۱۹)

قصیده مدحی فاطمی بالا شامل این ساختارها است: دوازده بیت در ساختار مدحی، پنج بیت در ساختار تغزلی، سه بیت در ساختار پندی، یک بیت در ساختار مفاخره‌ای، یک بیت در ساختار تحسری، دو بیت در ساختار مذمتی، شش بیت در ساختار مرثیه‌ای، دو بیت در ساختار انتظاری و یک بیت در ساختار تضرعی. در مجموع در مدیحه بالا از نه ساختار جزئی استفاده شده و شمار ابیاتی که با ساختار مدحی، به مدح حضرت فاطمه (س) پرداخته، بیش از همه است.

۱۳. تغزلی: قبر تو در مدینه دل شد مطاف جان
۱۴. مدحی: خود روشن است معنی خیر کثیر تو
۱۵. مدحی: دادار و انبیاء و امامان ما همه
۱۶. مدحی: چونان تو و آب و أم و شوی و سلاله‌ات
۱۷. مدحی: تا پا نهی به دامن محرابِ بندگی
۱۸. تغزلی: گل‌ها ز شرم غنچه سربسته می‌شوند
۱۹. مدحی: گیرم دو صد هزار ورق مدحت آورم
۲۰. مدحی: با آنکه ناشناخته ماند اقتدار تو
۲۱. مدحی: از صبر توست تا صف محشر اگر برند
۲۲. مرثیه‌ای: دردا که در جوار حریم مقدّسش
۲۳. مرثیه‌ای: آتش زدند تیره‌دلان باب وحی را
۲۴. مذمتی: گویی سفارشات پیمبر بگوششان
۲۵. مرثیه‌ای: این غم کجا برم که تو را روز درد و رنج
۲۶. مرثیه‌ای: باور نداشتم که چنان قامت ضعیف
۲۷. مرثیه‌ای: پامال گشت حقّ تو و شوهرت علی
۲۸. مرثیه‌ای: از خانه تا کنار در مسجد الرسول
۲۹. مذمتی: با آن جلال، آبروی آدمی بریخت
۳۰. انتظاری: تا مرهمی به زخم دل دوستان نهد
۳۱. انتظاری: در انتظار منتقمت موج می‌زند
۳۲. تغزلی: «میثم» ز دوستی شما دل نمی‌برد
۳۳. تضرعی: در دست تو برات نجاتست و حکم عفو

پایان‌بندی قصیده مدحی فاطمی با ساختار مرثیه‌ای

همان‌طور که اشاره شد، قصیده مدحی فاطمی مورد بحث، در پایان خود به ساختار مرثیه‌ای متمایل می‌شود. این تمایل از طریق استفاده از عباراتی که تداعی‌کننده مرثیه هستند، آشکار می‌شود. برخی از این عبارات نظیر: بیت ۲۹: «آبرو بریخت، سرزد از نابکارها»، بیت ۳۰: «زخم، انتقام، بدشعارها»، بیت ۳۱: «جان دادن، دارها»، بیت ۳۲: «عفو، کوه معاصی» کاربرد این عبارات، فضایی حزن‌انگیز و غم‌آلود را در پایان قصیده ایجاد می‌کند و به‌نوعی یادآور مظلومیت و مصائب حضرت فاطمه زهرا (س) است.

وجود ساختار مرثیه‌ای در قصاید مدحی

نکته قابل توجه این است که استفاده از ساختار مرثیه‌ای در پایان قصاید مدحی فاطمی، پدیده‌ای رایج و متداول است. شاعران و مداحان سنتی در بسیاری از سروده‌های خود، از این شیوه برای تأکید بر مظلومیت و مقام والای حضرت زهرا (س) بهره می‌برند. وجود این اشتراک در میان مداحان و شاعران، نشان‌دهنده تأثیرگذاری عمیق فرهنگ و آموزه‌های مذهبی بر ادبیات فارسی است. این امر بیانگر آن است که شاعران و مداحان، در سروده‌های خود نه‌تنها به مدح و ثنای ائمه اطهار (ع) می‌پردازند، بلکه به بیان مصائب و مظلومیت آنان نیز توجه ویژه‌ای دارند.

نقش لحن مرثیه‌ای در پایان قصیده

استفاده از کلماتی که ساختار مرثیه‌ای را تداعی می‌کنند، نه‌تنها فضایی غم‌آلود را در پایان قصیده ایجاد می‌کند، بلکه به مداح در حفظ لحن مرثیه‌ای خود نیز کمک می‌کند. این امر به انتقال بهتر مفاهیم و مضامین مداحی به مخاطبان و ایجاد ارتباط عاطفی عمیق‌تر با آنان یاری می‌رساند.

سبک ساختاری شعر سید رضا مؤید

در این پژوهش، به بررسی سبک ادبی ساختاری یکی از قصایدی که سیدرضا مؤید در مدح حضرت فاطمه (س) سروده است، پرداخته می‌شود. این قصیده که ۷۲ بیت دارد، با هفت بیت با ساختار توحیدی آغاز می‌گردد.
بیت اول:

توحیدی: اول دفتر بنام خالق اکبر آنکه سزد نام او در اول دفتر
(مؤید، ۱۳۷۲: ۱۷۳-۱۷۶)

سپس چهارده بیت با ساختار مدحی دارد که با این بیت آغاز می‌گردد:

مدحی: فاطمه مجموعه صفات خداوند فاطمه آینه کمال پیمبر
(همان: ۱۷۳)

سپس این بیت را با ساختار توحیدی می‌آورد:

توحیدی: در شب معراج از حقیقت خلقت
پرده ز رازی گشود خالق اکبر
(همان: ۱۷۴)

سپس سی و شش بیت با ساختار مدحی می آورد و پس از آن ابیات، این بیت را با ساختار تغزلی می آورد:

تغزلی: چشم رجال و نساء به سوی تو بانو
جان بنات و بنین فدای تو مادر
(همان: ۱۷۵)

سپس این هفت بیت را با ساختار مرثیه ای می آورد که تا پایان قصیده، حال و هوای مرثیه باقی می ماند:

مرثیه ای: کشته راه خدایی و هدف تو	امر به معروف بود و نهی ز منکر
مرثیه ای: صَبَّتِ الْإِیِّ مُصَابِیِ سَخْنِ تَوْسْتِ	می زند این نغمه ات به جان من اخگر
مرثیه ای: گر که بریزد مصیبت تو بر ایام	روز جهان می شود چو شام مُکدّر
مرثیه ای: فاطمه ای سینه ات بهشت محمّد	وا اسفا کین بهشت سوخت در آذر
مرثیه ای: بر در آن خانه ای که اذن گرفته ست	قابض الارواح و جبرئیل مُکدّر
مرثیه ای: آه که آتش زدند امت بی مهر	آه که وارد شدند قوم ستمگر
مرثیه ای: حبل متین را فکنده حبل به گردن	دست خدا را بیسته از عقب سر

(همان)

سپس شش بیت در ساختارهای مختلف، قصیده را به پایان رسانده که مجموعاً ساختار مرثیه ای را تداعی می نمایند.

مذمتی: بر سر منبر نشسته غاصب محراب	صاحب مسجد ستاده در بر منبر
مدحی: مدح تو ارزنده تر ز خواندن هر ذکر	داغ تو سوزنده تر ز هر غم دیگر
تحسّری: قبر تو مخفی از آنکه در بر قبرت	جمله دعا را اجابت است مقرّر
تحسّری: ای دل ما در هوای قبر تو سوزان	قبر تو و اسم اعظم ست برابر
تضرعی: این منِ عاصی «مؤیدم» پسر تو	ای پدر و مادرم فدای تو مادر
تضرعی: خط عبور بقیع، بخش تو بر من	دیدن قبرت مرا چو نیست میسر

(همان: ۱۷۶)

قصیده مدحی فاطمی بالا، شامل این ساختارها است: هشت بیت ساختار توحیدی، پنجاه و یک بیت ساختار مدحی، یک بیت ساختار مذمتی، دو بیت ساختار تحسری، دو بیت ساختار تضرعی، هفت بیت ساختار مرثیه ای؛ تعداد ابیاتی که ساختار مدحی دارند بیشتر از همه است. سبک زبانی شش بیت پایانی با کلمات: «غاصب» در بیت اول، «داغ» و «سوزنده» و «غم» در بیت دوم، «قبر» و «مخفی» در بیت سوم، «قبر» و «سوزان» در بیت

چهارم، «عاصی» و «فدای تو مادر» در بیت پنجم، «بقیع» و «قبرت»، با هم ساختار مرثیه‌ای را تداعی می‌کنند. پایان‌بندی مدیحه فوق با ساختار مرثیه‌ای بوده و تعیین‌کننده سبک ساختاری این قصیده است.

نتیجه‌گیری

شاعران آیینی و مداحان سنتی، در طول تاریخ با تداوم، تکرار و تطبیق سروده‌های خود با آیین‌های مذهبی، صاحب سبک‌های منحصربه‌فردی شده‌اند. این پژوهش با هدف شناخت، حفظ و حراست از این سبک‌های ارزشمند برای نسل‌های آینده و همچنین تدوین راهی برای یافتن و معرفی سبک‌های دیگر، به تحلیل ساختاری اشعار این شاعران و مداحان پرداخته است.

در این پژوهش، سه تن از شاعران و مداحان با سابقه و نام‌آشنا به نام‌های «علی آهی»، «سیدرضا مؤید» و «غلامرضا سازگار» انتخاب شده‌اند. این شاعران علاوه بر مداحی، سرودن مدایح را نیز در کارنامه خود دارند و اشعارشان در قالب‌های سنتی سروده شده و دیوان‌هایشان سرشار از اشعار آیینی است. سبک ساختاری این شاعران، در میان مداحان نیز رواج فراوانی دارد و بسیاری از مداحان در مداحی‌های خود از این سبک بهره می‌برند. یکی از موضوعات اشعار آیینی که به‌طور حداکثری و بیش از شخصیت‌های دیگر اهل بیت (ع) در دیوان‌های این شاعران وجود دارد، «اشعار فاطمی» است. به همین سبب در این پژوهش، به بررسی قصاید مدحی فاطمی این مداح-شاعران پرداخته شده است.

با انتخاب یک قصیده از قصاید مدحی فاطمی هر شاعر، ساختارهای موجود در این قصاید به‌صورت بیت به بیت تعیین شد. در نهایت، یازده ساختار شامل «توحیدی، مدحی، مذمتی، محاجه‌ای، مرثیه‌ای، تغزلی، پندی، مفاخره‌ای، تحسری، انتظاری، تضرعی» از این قصاید استخراج گردید. خاتمه هر سه قصیده مورد بررسی، یا با ساختار جزئی مرثیه‌ای بوده و یا با ساختارهایی است که در مجموع، این ساختار را تداعی می‌کنند. این امر نشان‌دهنده تمایل شاعران و مداحان سنتی به پایان رساندن مدایح فاطمی با لحنی حزن‌آلود و مرثیه‌ای است. مداحان سنتی نیز در اجرا، با وجود کلماتی که تداعی‌کننده ساختار مرثیه‌ای هستند، لحن مرثیه‌ای خود را تا پایان حفظ می‌کنند.

تعداد ابیات قصیده «آهی» سی‌وسه بیت با چهار ساختار، تعداد ابیات قصیده «مؤید» هفتادودو بیت با هفت ساختار و تعداد ابیات قصیده «سازگار» سی‌وسه بیت با نه ساختار است. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که تعداد ابیات بیشتر، لزوماً به معنای تنوع ساختاری بیشتر نیست. همان‌طور که مشاهده می‌شود، قصیده «مؤید» با وجود تعداد ابیات بیشتر نسبت به قصاید «آهی» و «سازگار» (تقریباً دو برابر)، تنوع ساختاری نسبی کمتری دارد. ساختار یک بیت با ساختار چند بیت که هر کدام ساختار جزئی متفاوتی دارند، از نظر زبانی تفاوت دارد. شاخصه ساختاری یک بیت، بر اساس سبک زبانی کلمات آن بیت

تعیین می‌شود، درحالی‌که شاخصه ساختاری چند بیت، بر اساس سبک زبانی کلمات آن چند بیت مشخص شده و برآیندها متفاوت خواهد بود. شیوه تعیین سبک شاعران آیینی و مداحان سنتی در این پژوهش (از جهت ساختاری) می‌تواند الگویی برای تعیین سبک‌های دیگر آنان باشد. با شناخت و بازیابی سبک‌های دیگر این شاعران و مداحان، می‌توان از نابودی و تحریف این سبک‌های ارزشمند جلوگیری کرد و ذخایر علمی و تجربی گذشته را به نسل‌های آینده منتقل نمود.

پی‌نوشت‌ها

۱. شعری که به گریه کردن برای حضرت فاطمه (س) تحریض یا تشویق می‌نماید.
۲. ساختار سوگندی، گاهی با واژه سوگند و قسم همراه نیست ولی مفهوم سوگند دارد.
۳. تخلص غلامرضا سازگار.
۴. مثل: نوحه‌خوان، مرثیه‌خوان، چاووش‌خوان و ...
۵. اشعاری با آهنگ‌های خاص در رثای اهل‌بیت (ع) که به گونه هم‌خوانی و با سینه‌زنی مخاطبان، خوانده می‌شود.
۶. اشعاری با آهنگ‌های خاص در شادی اهل‌بیت (ع) که به گونه هم‌خوانی و یا با کف‌زنی مخاطبان، خوانده می‌شود.
۷. اشعاری در شادی و سرور به مناسبت ولادت اهل‌بیت (ع).
۸. حبیب چایچیان، متخلص به حسان، متوفی ۱۳۹۶ از مداحان و شاعران سنتی معاصر است و با اشعاری همچون «امشب شهادت‌نامه عشاق امضا می‌شود/ فردا ز خون عاشقان این دشت دریا می‌شود» (چایچیان، ۱۳۶۴: ۱۷۵) به شهرت رسید.
۹. «یاد مرحوم آقای آهی (رحمة‌الله‌علیه) مدّاح متعهد و پایبند و خیرخواه و پرتلاش را گرامی می‌دارم. بنده مرحوم آهی را از سال‌های اوایل دهه ۴۰ می‌شناسم. در مشهد یک جمعی از مداحان اهل‌بیت (ع) آمده بودند و ایشان فعال بود... خدا ان‌شاءالله درجاتش را عالی کند، به معنای حقیقی کلمه، پایبند و متعهد و علاقه‌مند و بخصوص نسبت به جامعه مدّاح دارای احساس تعهد و مسئولیت بود و هر سال ما ایشان را در اینجا زیارت می‌کردیم. رحمت خدا بر او باد؛ خدا ایشان را بیامرزد» (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۴).
۱۰. این دیوان مخصوص اشعار مناسبتی ماه‌های ربیع‌الاول، ربیع‌الثانی، جمادى‌الاولی، جمادى‌الثانی و رجب‌المرجب است.

کتابنامه

- آهی، حسین. (۱۳۷۹). مقدمه نخل میثم. ج ۲. قم: حق‌بین.
- آهی، علی. (۱۳۹۳). *انوار معرفت*، مجموعه اشعار آیینی. تهران: محمل.
- بستانی، فرزانه. (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل اشعار حضرت فاطمه (س) در دیوان پنج شاعر انقلاب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. یزد: دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد.
- بهار، محمدتقی. (۱۳۹۳). *سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی*. ج ۱. تهران: زوآر.
- تاری، محمود. (۱۳۹۱). «در باب شیوه مداحی سنتی در فرهنگ امروز» در *عشق، ادب، اخلاص: مجموعه گفت‌وگو با مداحان و ذاکران اهل بیت (ع)*. ج ۲. تهران: خیمه.
- حسام‌مظاهری، محسن. (۱۳۸۹). *رسانه شیعه. جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیأت‌های مذهبی در ایران*. تهران: بین‌الملل.
- خوشدل، علی‌اکبر. (۱۳۸۹). *بهترین اشعار علی‌اکبر صلح‌خواه (خوشدل تهرانی)*. به کوشش مهدی آصفی. تهران: منیر.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: دانشگاه تهران.
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. (۱۳۹۴). «مرحوم آهی؛ مداح متعهد و خیرخواه» بازبازی شده از <https://khl.ink/f/29438>.
- رضایی، احمد و خورشیدی، سمیه. (۱۳۹۳). «سبک‌شناسی ساختاری غزل "تقویم‌ها" و غزل "قسمت"». *فنون ادبی*. ش ۲. صص ۳۲-۱۵.
- ریاحی، مهدی. (۱۳۹۳). مقدمه *دیوان انوار معرفت* (مجموعه اشعار علی آهی)، تهران: محمل.
- سازگار، غلامرضا. (۱۳۷۶). *نخل میثم*. ج ۱. قم: حق‌بین.
- سازگار، غلامرضا. (۱۳۷۹). *نخل میثم*. ج ۲. قم: حق‌بین.
- شعرهیأت، (بی‌تا). «سیدرضا مؤید» بازبازی شده از <https://www.shereheyat.ir/creator>.
- شفیعی‌کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۹). *موسیقی شعر*. تهران: آگاه.
- صفا، داود و نجاتی‌حسینی، سیدمحمود. (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای مداحی‌های مذهبی مردم‌پسند». *معرفت فرهنگی اجتماعی*. س ۲. ش ۴. صص ۱۴۱-۱۶۳.
- طاهری ماه‌زمینی، نجمه؛ بصیری، محمدصادق؛ صرفی، محمدرضا. (۱۳۹۶). «بررسی مضامین اشعار انتظاری در شعر بعد از انقلاب اسلامی». *ادبیات پایداری*. س ۹. ش ۱۷. صص ۱۷۹-۲۰۰.
- غفاری، سوده. (۱۳۸۷). «تحلیل گفتمان مداحی با مقایسه سبک سنتی و غیرسنتی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه الزهرا (س).

- فلاح، ابراهیم. (۱۳۹۷). «تحلیل ساختاری و محتوایی سیمای حضرت زهرا (ع) در اشعار شاعران شیعی معاصر عربی و فارسی». *مطالعات ادبی متون اسلامی*. س ۳. ش ۱. صص ۱۲۵-۱۵۰.
- قاسمی، شهین. (۱۳۹۳). «بررسی ویژگی‌های شخصیتی حضرت فاطمه زهرا (س) در شعر پس از انقلاب اسلامی». *زن و فرهنگ*. س ۵. ش ۲۰. صص ۷۹-۹۶.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل. (۱۴۲۹ق). *التقص*. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- کافی، غلامرضا. (۱۳۹۰). *شناخت ادبیات انقلاب اسلامی*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- گودن، جی. آ. (۱۳۶۹). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. تبریز: نیما.
- لیهان، جین و گرین، کیت. (۱۳۸۳). *درسنامه نظریه و نقد ادبی*. ویراستار: حسین پاینده. تهران: روزگار.
- مجاهدی، محمدعلی. (۱۳۷۶). *مقدمه نخل میثم*. ج ۱. قم: حق‌بین.
- محمدزاده، مرضیه. (۱۳۹۳). *طرحی نو در دانشنامه شعر عاشورایی*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات. وابسته به اوقاف و امور خیریه.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۷). *عرفان حافظ*. تهران: صدرا.
- مؤید، سیدرضا. (۱۳۷۲). *جلوه‌های رسالت*. مشهد: علی‌زاده.
- وراوینی، سعدالدین. (۱۳۹۶). *مرزبان‌نامه*. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی‌علیشاه.

